

ژئوکالچر، سلفی‌گری و ژئوپولیتیک در ایران

* علی امیری^۱ / علی فلاح‌نژاد^۲

تاریخ پذیرش ۹۷/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۱

چکیده

ژئوکالچر از مبانی تئوریک حوزه مطالعات ژئوپولیتیک می‌باشد که درصدد فهم و تحلیل تأثیرات متقابل سیاست و فرهنگ می‌باشد. جغرافیای فرهنگی هر ناحیه جغرافیایی با توجه به شرایط زمانی و مکانی و... ژئوپولیتیک خاص خود را رقم می‌زند. ویژگی‌های فرهنگی از قبیل هویت مذهبی، زبانی، قومی و... می‌توانند بسترساز بازی‌های سیاسی ویژه‌ای گردند و بازخوردها و خروجی‌های سیاسی خاصی را در پی داشته باشند. مذهب یکی از عناصر اصلی هویت فرهنگی می‌باشد که در زمانها و مکان‌های مختلف تأثیرات و ارتباط خود را با سیاست به روشنی نشان داده است. سلفی-گری به عنوان نوعی مرام مذهبی-سیاسی در دین اسلام از موارد روشن مذهبی است که سعی دارد تا ژئوپولیتیک متناسب با اهداف و آمال خود را شکل دهد و به همین دلیل ژئوپولیتیک درونی و بیرونی کشورهای جهان اسلام و بخصوص کشورهای خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است. کشور ایران به عنوان کشوری شیعه مذهب و مخالف با سلفی‌گری افراطی، از کشورهایی است که از این وضعیت مستثنی نمی‌باشد؛ چرا که علاوه بر دارا بودن هویت دینی اسلامی، در نواحی جغرافیایی پیرامون خود، دارای هویت مذهبی اهل سنت می‌باشد که در موارد بسیار از سلفی‌گری متأثر شده و زمینه ساز ناامنی و شکل‌گیری ژئوپولیتیک درونی چالش برانگیزی بوده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد سلفی‌گری در عرصه ژئوپولیتیک درونی ایران، باعث شکل‌گیری بازیگرانی شده است که زمینه‌ساز فرقه‌گرایی مذهبی و تقویت‌کننده تحرکات قومی در نواحی و استان‌های سنی‌نشین بوده‌اند که این امنیت عمومی و ملی را به چالش کشیده است. این بازیگران محلی در عرصه ژئوپولیتیک بیرونی سعی در پیوند با رقیبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارند تا به اهداف خود برسند.

کلید واژه‌ها: امنیت ملی؛ جمهوری اسلامی ایران؛ ژئوپولیتیک؛ ژئوکالچر؛ سلفی‌گری.

۱- استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه لرستان، amiri.ali@lu.ac.ir

۲- استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، afalahnezhad@gmail.com

مقدمه

هویت‌های فرهنگی از عناصری می‌باشند که به خاطر نقش سیاسی که داشته‌اند، همیشه مورد توجه ژئوپولیتیسن‌ها بوده‌اند و سعی نموده‌اند تا جغرافیای سیاسی نواحی فرهنگی را فهم نمایند. از مهمترین عناصر فرهنگی که در طول تاریخ تأثیرگذاری سیاسی خود را نشان داده است مذهب می‌باشد. بسیاری از وقایع بزرگ تاریخ همچون جنگ‌های صلیبی یا جنگ‌های مذهبی کاتولیک و پروتستان در قاره اروپا ناشی از نگاه‌های متفاوت مذهبی به مذاهب مجاور بوده است.

دین اسلام از ادیان بزرگ و الهی است که در این زمینه تأثیرات فراوانی داشته است. قرائت‌های متفاوت از مسائل مختلف، بویژه از مسائل سیاسی، باعث شکل‌گیری مذاهب متفاوتی در درون آن گردیده است که هر کدام از این مذاهب، انگاره‌های خاص خود را در مورد دیگر مذاهب اسلامی و ادیان غیراسلامی دارند. در موارد بسیاری، این انگاره‌های متفاوت زمینه‌ساز دسته‌بندی‌های سیاسی، تنش و همکاری‌های سیاسی بوده‌اند و وقایع بزرگی را در تاریخ جهان و دنیای اسلام رقم زده‌اند و ژئوپولیتیک ویژه هر دوره-ای را شکل داده‌اند.

سلفی‌گری به عنوان قرائتی کهن از اسلام، امروزه بخاطر شرایط سیاسی منطقه و جهان، به احیای خود پرداخته و علاوه بر تقویت آموزه‌های دینی خود، سعی دارد تا تعریف خود را از سیاست واقعیت بخشیده و به ایفای نقش سیاسی بپردازد و



ژئوپولیتیک ویژه و مورد نظر خود را شکل دهد. شکل‌گیری این بازیگر نوین سیاسی، منجر به تحولات ژئوپولیتیکی خاصی در جهان و منطقه خاورمیانه و حتی در داخل کشورها گردیده است. این تحولات می‌توانند امنیت ملی کشورها را در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای با تهدید مواجه سازند.

ایران از جمله کشورهایی است که زمینه پذیرش این نوع تفکرات و تحولات سیاسی را در بخش‌هایی از سرزمین خود دارد. لذا باید تلاش گردد تا تبعات امنیتی این مسأله مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. پیامدهای امنیتی که نه تنها در سطح محلی، بلکه در سطح فراملی و منطقه‌ای می‌توانند چالش برانگیز باشند. به همین خاطر، این پژوهش سعی دارد تا این مهم را مورد مطالعه قرار داده و ژئوپولیتیک آن را فهم نماید.

۱- روش تحقیق

در این تحقیق، به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که ژئوکالچر ایران به چه صورت است؟ و این ژئوکالچر چگونه از جریانات سلفی‌گری تأثیر می‌پذیرد؟ و تأثیرات و پیامدهای آن بر ژئوپولیتیک ایران چگونه است؟

اطلاعات از طریق گردآوری کتابخانه‌ای با مطالعه کتب مرتبط، مجلات، فصلنامه‌ها و نیز بهره‌گیری از منابع الکترونیکی و برخی سایت‌های اینترنتی جمع‌آوری شده است. اطلاعات گردآوری شده به روش توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۲- مبانی نظری

قبل از ورود به هر گونه بحث علمی در مورد هر مسأله‌ای، نیاز است که مبانی و ابعاد تئوریک آن مسأله مورد مطالعه و شناسایی قرار گیرد. تفهیم مسأله این تحقیق مبتنی بر درک مبانی تئوریک چندی می‌باشد که در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرند.



۳- ژئوپولیتیک درونی:

بطور کلی می‌توان گفت که در ژئوپولیتیک، دو دسته‌بندی وجود دارد: اولی ژئوپولیتیک بیرونی است که ناظر بر روابط بین‌المللی و مناسبات بین کشورهاست و دومی ژئوپولیتیک درونی است که ناظر به سیاست داخلی یک کشور است.

مواردی پیش می‌آید که مناقشات درونی به گونه‌ای هستند که منجر به جنگ داخلی می‌شوند و در موارد بسیاری، روابط قدرت در ژئوپولیتیک بیرونی با روابط قدرت در ژئوپولیتیک درونی تلاقی می‌کنند. هر چه می‌گذرد تلاش برای تفکیک سیاست داخلی از سیاست خارجی کشورها مشکل‌تر می‌شود. با این وصف، همواره به صورتی کلی و با قرار گرفتن در یک سطح نسبتاً بالایی از انتزاع، می‌توان مشابهت‌هایی بین ژئوپولیتیک درونی و بیرونی یافت. در هر دو مورد، ژئوپولیتیک، یعنی مجموعه‌ای از تقابل‌های اساساً سیاسی که رابطه مستقیم با سرزمین پیدا می‌کند. این تقابل، بین نیروها یا بازیگرانی است که به ضرر دیگری تلاش می‌کنند با اشکال و درجات گوناگون، تسلط خود را بر مردمانی که در سرزمین مورد مناقشه سکونت دارند حفظ نمایند یا افزایش دهند (ژیلن، ۱۳۷۸: ۱۶۳).

مشکلات ژئوپولیتیک درونی نه تنها خواسته‌های ملی و استانی را در بر می‌گیرند، بلکه این مشکلات هم اکنون شامل زمینه‌های بسیار گسترده‌تری شده‌اند. از چند سال پیش تاکنون، گروه‌های کوچک (حتی در حد چند صد نفر) برای دفاع از یک شیوه زندگی خاص، حفظ محیط زیست خود، حفاظت از یک بنا یا یک محله باستانی یا علیه احداث یک بزرگراه و گسترش یک فرودگاه و حفر یک تونل و غیره بسیج می‌شوند. این امر به معنای تقابل قدرت بر سر یک سرزمین مشخص، بین قدرت حکومت مرکزی و کسانی است که این گروه‌ها را هدایت می‌کنند؛ گروه‌هایی که ضمن بسیج شهروندان، هر روز بیش از پیش می‌توانند از جانب نمایندگان دولت به رسمیت شناخته شوند (همان، ۱۶۵).



۴- ژئوکالچر:

یکی از گرایش‌های موضوعی در حوزه مطالعات ژئوپولیتیک، مفهوم ژئوکالچر می‌باشد. ژئوکالچر به دنبال فهم و تحلیل جایگاه و نقش فرهنگ در مناسبات سیاسی می‌باشد. مناسبات سیاسی در مقیاس‌های مختلف محلی تا کروی از جغرافیای فرهنگی متأثر می‌باشند و جغرافیای فرهنگی هر ناحیه جغرافیایی مسائل و پدیده‌ها و شرایط سیاسی خود را خلق می‌نماید. در واقع، جغرافیای فرهنگی و سیاست از پیوند مستحکمی برخوردارند که ماحصل آن از جنگ تا صلح و ثبات در نوسان می‌باشد.

والرشتاین «جغرافیای فرهنگی» را جنبه درونی جهان می‌داند؛ جنبه‌ای که پوشیده‌تر از آن است که به چشم آید و دشوارتر از آن که قابل درک باشد و در عین حال، جنبه‌ای است که بدون آن، دیگر جنبه‌ها عقیم می‌مانند. از اینرو، جغرافیای فرهنگی در ارتباط با ژئوپولیتیک، چارچوبی است که در آن نظام جهانی عمل می‌کند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۴). والرشتاین نیز مشترکات فرهنگی هر حوزه جغرافیایی را مد نظر قرار داد و آن را «جنبه پوشیده جهان» نامید و خط و مرزهای فرهنگی را «چارچوب ژئوپولیتیکی واقعی» معرفی کرد. در اینجا سوالی که مطرح می‌شود این است که مشترکات فرهنگی چه هستند؟

گلاسنر در بحث‌های فرهنگی و ارتباط آنها با ژئوپولیتیک، به سه عامل «زبان، مذهب و قومیت» توجه می‌کند. به نظر وی، ناسیونالیسم تأثیر بیشتری نسبت به مذهب دارد. از دیدگاه وی، تنوع قومی عامل مهمی در بروز جنگ، مخدوش شدن مرزها و حتی گاه شکل گرفتن مرزهاست؛ اما تکثر فرهنگی ضرورتاً به بی‌ثباتی سیاسی نمی‌انجامد. زبان، پدیده بارز و مهم فرهنگی دیگری است که از یک جنبه، نقشی مهم در انسجام هر ملت و تقویت و تثبیت گرایش‌های ملی دارد. با وجود این، گلاسنر زبان را نیز عاملی موثر در وقوع جنگ‌ها و عملکردهای سیاسی دولت‌ها و ملت‌ها نمی‌شمارد. گلاسنر خاطر نشان می‌سازد که گروه‌های جمع‌گرای مذهبی بسیاری، در گوشه و

یاست پژوهی ژئوکالچر، سلفی‌گری و ژئوپولیتیک در ایران



کنار دنیا هستند که به لحاظ ماهیت خود، از درگیر شدن با سیاست پرهیز دارند و حتی از شهروند شدن در جامعه میزبان امتناع می‌کنند. با وجود این، مسائلی همچون مالکیت زمین، حق آب و تحصیلات، خواه ناخواه آنها را با مسائل سیاسی درگیر می‌کند (پیشین: ۳۵-۳۷). با مطالعه اولیه حوادث، چنین به نظر می‌رسد که دین عامل اصلی و منبع بیشتر جنگ‌ها و درگیری‌هایی است که بر روی کره زمین به وقوع می‌پیوندد. اگر کمی دقیق‌تر مسائل درگیری‌ها و جنگ‌های بین اقوام مختلف را بررسی کنیم متوجه می‌شویم که دین، یکی از عوامل متعدد درگیری‌هاست؛ دین در حکم ابزار هویتی است و برای رسیدن به مقاصد والاتر و قوی‌تری به کار می‌رود که هدف اصلی آن وادار کردن مردم به پذیرش دین جدید نیست. دین در حکم ابزار هویتی می‌تواند همبستگی بین ساکنان یک سرزمین یا قومی را علیه اقوام یا سرزمین‌های دیگر به وجود آورد (شوتار، ۱۳۸۶: ۲۴۹).

ادیان به دو صورت با ژئوپولیتیک در می‌آمیزند: یکی در بعد جهانی و در ارتباط با نگاهی که یک دین نسبت به جایگاه خود در صحنه بین‌المللی از خود بروز می‌دهد؛ و دیگری، با هویت‌های مذهبی و نقش آنها در ساختار هویت‌های جمعی. تحلیل نقش ادیان در ژئوپولیتیک از رهگذر نگاه دو گانه فوق سبب می‌شود تا نه برای ادیان نقشی بنیادین به عنوان عامل محرک تاریخ قائل گردیم و نه این که ادیان را عاملی درجه سوم ارزیابی نماییم. مسأله یوگسلاوی این معنی را روشن می‌نماید. در این جا جنگ میان ارتدوکس، کاتولیک و اسلام نیست، بلکه درگیری‌های منبعث از ملی‌گرایی به مطالبات و دعاوی خود رنگ فرهنگی و مذهبی می‌بخشد. جنگ ادیان جنگی است که در آن یک دین، سعی در گرواندن دیگران دارد. این وضعیت در مورد یوگسلاوی صدق نمی‌کند، زیرا در این کشور، جنگ، جنبه سرزمینی دارد و ملی‌گرایی در خدمت مذاهب برای توجیه اقدامات و لابیگری‌های آنها در آمده است (لورو و توال، ۱۳۸۱: ۶۰). در واقع هویت دینی نقش تقویت کننده را در پدیده‌های ژئوپولیتیک دارد. در این میان، ادیان



کارکرد متفاوت از هم دارند و این تفاوت نقش به برداشت‌های مختلف مذهبی و سیاسی، بر اساس جوامع و شرایط زمانی، وابسته است. بعد دیگر مسئله، به ابزاری شدن دین و احساسات دینی از سوی دولت‌ها در سیاست داخلی و خارجی آنها مربوط می‌شود. نقش ارتدوکس روسی در خدمت اهداف توسعه جویانه روسیه تزاری در سده گذشته، مثال جالبی از وضعیت فوق است. امپراتوری تزاری با تکیه بر مسیحی‌های ارتدوکس در بالکان، قفقاز و خاورمیانه، خود را در مقام حامی ارتدوکس‌ها نشان داد و از این رهگذر در جهت مشروعیت سیاست توسعه‌طلبانه سنتی خود اهتمام ورزید (پیشین: ۵۹).

در عصر حاضر و موقعیت فعلی جهان، به رغم پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های حقوق بشر، دموکراسی، پیام‌های صلح و گفتارهای روحانیون برای هدایت انسانها، و مذاکرات دولت‌ها درباره صلح و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و آسیب‌ها و ضربه‌های روحی ناشی از جنگ جهانی دوم صورت گرفته است، در شروع هزاره سوم، شاهد وقایعی هستیم که انسانها به بهانه دین و به نام خداوند، همچون دوران قرون وسطای اروپا، در حال کشتن یکدیگرند (شوتار، ۱۳۸۶: ۲۵۰). موضوعی که در موقعیت کنونی بیش از هر چیز انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد مباحثات و گفتار فزاینده سران دولت‌ها درباره دین است. در جنگ اخیر که بین امریکاییها و عراقیها اتفاق افتاد، سران هر دو کشور از حربه دین برای جلب و تقویت جنگاوران بهره‌برداری کردند (پیشین: ۲۵۱).

۵- سلفی‌گری

سلف در لغت به معنای پیشین است: سلف، یسلف، سلفا و سلوفا یعنی پیشی گرفت. به گفته ابن فارس، سلف اصلی است که دلالت بر تقدم و سبقت دارد. پس سلف کسانی هستند که گذشته‌اند. بنابراین سلف جماعتی است که در گذشته بوده‌اند و سلفی



کسی است که از این جماعت پیروی می‌کند.

به صورت اصطلاحی و تسامحی، گاهی استفاده از واژه سلف اشاره به مقطع زمانی خاصی دارد. در معنای لغوی، سلف مفهومی نسبی است، اما در اصطلاحف ناظر به زمان و مقطع خاصی از تاریخ است. دلیل اهمیت این مقطع تاریخی خاص نیز برخی روایت‌های منقول از پیامبر گرامی اسلام (ص) است که این مقطع را ستوده‌اند. البته این روایات از نظر سند و دلالت نیازمند بررسی است. دلیل دیگر اهمیت این مقطع زمانی نزدیکی و قرب این زمان به دوران پیامبر است. بنا به نظر سلفیون، نزدیکی زمانی به پیامبر موجب تلقی بهتر معارف دینی می‌شود و لذا قرب زمانی خود اهمیت بسیاری در مفهوم سلف دارد. معمولاً سلف از حیث زمانی به دوران صحابه، تابعین و تابعین تابعین اطلاق می‌شود. اگر بخواهیم این اعصار را به سال تبدیل کنیم می‌توان آن را سه قرن ابتدایی اسلام ذکر کرد (زیودار، ۱۳۹۴: ۱۸). بیشتر گروه‌های سلفی معتقدند که نسل‌های اولیه مسلمانان، مدلی را تنظیم نموده‌اند که تمام نسل‌های بعد باید آن را مخصوصاً در اعتقادات خود، فهم متون اصلی اسلام، روش‌های پرستش، پرهیزگاری، و رفتار، مورد ملاحظه قرار دهند (Jones, 2016: 12)

یکی از مشتقات سلف، سلفی‌گری یا سلفیه است. سلفی‌گری اشاره به مکتب یا مشربی دارد که در برگیرنده عقاید و باورهای خاصی است. اما از نظر تاریخی، مکتب سلفی‌گری در قرن چهارم آغاز شده است و سپس در قرن هفتم هجری توسط ابن تیمیه، تجدید حیات کرده و مجدداً این آراء در جزیره‌العرب در قرن دوازدهم به دست محمد بن عبدالوهاب زنده شد که وهابی‌ها پیوسته به آن دعوت می‌کنند.

تا قرن چهارم هرچند برخی از رگه‌های اندیشه سلفی در نظریات احمد بن حنبل مشاهده می‌شود، اما مذهب یا مکتبی به این نام در فرهنگ اسلامی مشاهده نمی‌شود. قرن چهارم قرنی است که مفهوم سلف به عنوان یک مکتب وارد فرهنگ جهان اسلام شد و هرچند در آن زمان مختصات و مرزهای آن مشخص نبود، اما زمینه‌ها و بسترهای



آن به عنوان یک اندیشه انحرافی، در این دوران شکل گرفت.

البته تعاریف عام‌تری نیز از سلفیه ارایه گردیده است؛ چنانکه برخی، سلفیه را به معنای عام و اسم علم برای کسانی می‌دانند که در اعتقادات و فقه از سلف صالح و تابعین در سه قرن اول اسلام و پیشوایان امت بعد از آنها مانند ائمه چهارگانه اهل سنت و سفیان ثوری، بخاری و مسلم و سایر اصحاب سنن و همچنین از علمایی که ملزم به روش مسلمانان اولیه هستند- گرچه فاصله زمانی با آن دارند و با مشکلات و مسائل جدید رو برو هستند- مثل ابن تیمیه، ابن قیم، محمد بن عبدالوهاب و معاصران دیگر که در عربستان، هند، مصر، شمال آفریقا و سوریه‌اند پیروی کنند.

برخی نیز بر جنبه گذشته‌گرایی سلفی‌گری و پیامدهای آن تأکید کرده‌اند؛ بر این مبنا که سلفی‌گری مطلق، موجب خواهد شد که جوامع گذشته، سلطه خویش را بر آیندگان هموار کنند؛ گویی گذشتگان، زندگانی در بدن آیندگان و پدران، زندگانی در اجساد فرزندان هستند.

مراد از سلفی و سلفیون، فرد یا کسانی هستند که بر مشرب و روش سلف (به ادعای خودشان) عمل می‌کنند. البته همان گونه که گفته شد، سلف در این مفهوم صرفاً پیشینیان نیستند، بلکه مراد مذهب سلفی‌گری است، که دارای مختصات و مرزهای مشخصی است. در این که سلفیون چه کسانی هستند، دو دیدگاه وجود دارد:

برخی بر این عقیده‌اند که سلفیون کسانی بوده‌اند که در قرن چهارم یا پنجم می- زیسته و بر این عقیده بوده‌اند که پیرو احمد بن حنبل هستند.

گروه دیگری بر این عقیده‌اند که هرچند در قرن چهارم، اندیشه سلفی آغاز شد، اما در قرن‌های بعدی نیز گروه‌هایی بوده‌اند که خود را سلفی نامیده‌اند. بنابراین در تعریف سلفی نباید آن را به زمان خاصی محدود کرد. از این دیدگاه: «سلفیون ادعا می‌کنند که ایمان داریم به آنچه که مسلمانان پیشین از صحابه رسول خدا (ص) و ائمه دین به آن ایمان آورده‌اند و در یک مفهوم عام سلفی منسوب به سلف است؛ زیرا یاء در این کلمه

یاست پژوهی

ژنو کالچر، سلفی‌گری و ژئوپولیتیک در ایران



برای نسبت بوده و سلفی به کسی اطلاق می‌شود که خودش یا دیگری او را به جماعت پیشینیان نسبت می‌دهد.

با نگاهی به شرایط امروز، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که معنای دوم برای سلفی مناسب‌تر است؛ سلفی کسی است که معتقد به سلفی‌گری است و مختص به یک زمان خاص و مقطع خاص نمی‌باشد.

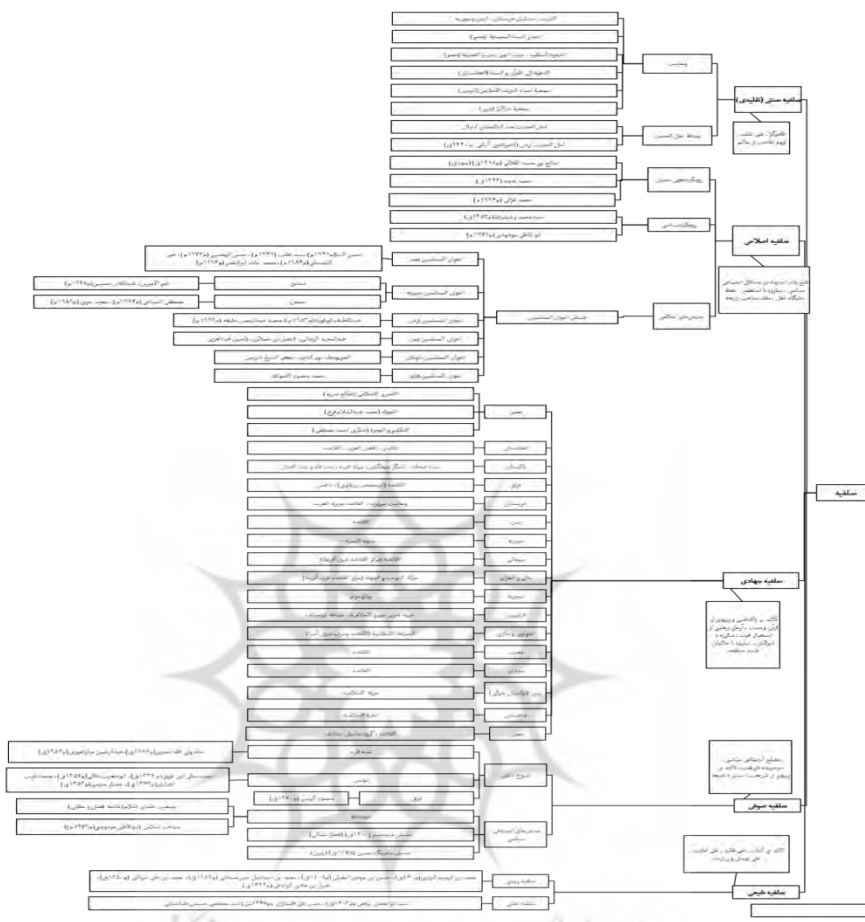
با توجه به اینکه ابن تیمیه بنیانگذار این جریان فکری می‌باشد، فهم بنیادهای فکری وی لازم می‌باشد. حافظ وهبه (۱۳۷۸ ه.ق) از نویسندگان وهابی، آراء و پندارهای ابن تیمیه را در چهار مسأله خلاصه نموده است:

۱- بازگشت به کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) و پیروی سلف صالح (صحابه و تابعین) در فهمیدن آیات و روایات مربوط به توحید و صفات خدا و دوری کردن از راه و روش فلاسفه، متکلمان و صوفیان. ۲- مبارزه و جنگ با بدعت‌ها و منکرات، بویژه با چیزهایی که موجب شرک می‌باشد مانند: دست گذاشتن بر قبر و اقامه نماز در نزد قبور و حاجت خواستن از مردگان در گور و... ۳- مبالغه نکردن و غلو نکردن درباره مقام پیامبر(ص). ۴- اعتقاد به اینکه باب اجتهاد باز است... که ابن تیمیه در طول زندگانی خودش در راه آن‌ها تلاش و فعالیت نمود و بعدها محمدبن عبدالوهاب (مؤسس فرقه وهابی‌ها) دعوتش را در نجد، بر اساس آن شروع نمود. (زیودار، ۱۳۹۴: ۲۸).

در سده‌های گذشته و بخصوص در سی سال اخیر، گروه‌های متعدد و متنوعی از جریان‌های سلفی در کشورهای اسلامی بوجود آمده‌اند؛ بطوری که از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ تعداد گروه‌های سلفی - جهادی شاهد افزایش ۵۸ درصدی بوده است (Jones, 2016: 26). این گروه‌ها به طور خلاصه در نمودار زیر نشان داده شده‌اند.



شکل ۱: نمودار سلفیه



منبع: (پایگاه اطلاع رسانی حوزه علمیه خراسان، ۱۳۹۵).

۶- یافته های تحقیق

۶-۱- ژئوکالچر و ژئوپولیتیک درونی ایران

الگوی ملت ایران، ترکیبی و نامتوازن است؛ بدین صورت که بخش بزرگی از ملت در یک یا چند ویژگی و خصیصه ترکیبی مشترکند، اکثریت داشته، هیأت کلی ملت ایران را تشکیل می‌دهد. بخش کوچتری از ملت نیز به علت دارا بودن یک یا چند ویژگی

یاست پژوهی
ژئوکالچر، سلفی‌گری و ژئوپولیتیک در ایران



با بخش اکثریت ملت تجانس کامل ندارد و در جایگاه اقلیت، اجزاء و پاره‌های کوچکتر ملت ایران را تشکیل می‌دهد (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۱۴۶). تنوع و تعداد اقوام تشکیل دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه‌های کثیرالقوم و جامعه چندقومی به ترکیب جمعیتی آن، از واقعیتی غیرقابل انکار خبر می‌دهد. حضور زندگی قومیت‌های مختلف فارس، ترک، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و لر در کنار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر موزائیک فرهنگی - قومی هویت و تمدن ایرانی است (مقصودی، ۱۳۸۲: ۴۵). در واقع در کنار استان‌هایی نظیر اصفهان، کرمان، همدان و... که نام بزرگترین و مهمترین شهرستان‌های خود را برگزیده‌اند و آن دسته که نامی ناحیه‌ای را یدک می‌کشند، با استان‌های متعددی روبرو هستیم که نام قوم و طایفه‌ای را بر خویش نهاده‌اند. از آن جمله کردستان، لرستان، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و آذربایجان که به ترتیب سکونتگاه کردها، لرها، بلوچ‌ها، بختیاری‌ها، احمدها و ترک‌ها یا آذری بوده‌اند... نشانه‌های قومی در نام‌گذاری تقسیمات اداری کوچکتر نیز دیده می‌شود، نظیر شهرستان طوالش یا بخش گوکلان یا دهستان خلجستان در ایران مرکزی که سرزمین خلج‌هاست. واحدهای ناحیه‌ای دیگر نیز وجود دارد که هیچ گونه انطباقی با تقسیمات اداری سیاسی نداشته، ولی نام آنها ریشه در هویت قومی آنها دارد؛ نظیر ترکمن صحرا یا صحرای ترکمن یا طالش (بازن، ۱۳۷۷: ۱۳۴).

مشکلی که در تعیین تعداد اقوام ایرانی وجود دارد، فقدان شاخص‌های عینی، معتبر و یکسان برای تعریف اقوام است. «مثلاً بنا بر یک تقسیم‌بندی، اقوام لر، قشقایی و لک قومیت مستقلی از سایر اقوام دانسته می‌شوند. حال آنکه برخی آنها را در تقسیم‌بندی کلی، جزئی از اقوام کرد، ترک و فارس می‌دانند. برخی نیز آنان را فارس تلقی کرده که تنها گویش‌زبانی متفاوتی دارند» (حق پناه، ۱۳۸۱: ۸).

سرزمین ایران در مقوله تنوع زبانی و قومی در جهان با ۲۴ درصد همانندی در رتبه شانزدهم از همانندی است، در حالی که کره شمالی و جنوبی، برای مثال، با ۱۰۰ درصد



همانندی در رتبه اول و تانزانيا با ۷ درصد ناهمندی در رتبه نخست کشورها قرار دارند (حاجیانی، ۱۳۸۳: ۴۸۳). ایران جزء کشورهای ناهمگونی است که گروه‌های قومی و زبانی و مذهبی مختلف در ساختار فضائی آن پراکنده‌اند. اغلب این گروه‌های قومی در حاشیه نوار مرزی سکونت دارند و حتی عقبه جغرافیائی آنها در آن سوی مرزهای سیاسی نیز کشیده شده است.

بسیاری از متخصصان، گروه‌های قومی ایران را به سه دسته تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: گروه آریائی‌ها (افغان‌ها، هزاره‌ها، بلوچ‌ها، بختیاری‌ها، فارس‌ها، اصفهانی‌ها، کرمانی‌ها، طالش‌ها، کردها، لرها و...)، گروه ایرانیان غیرآریائی (ترک‌ها، قشقائی‌ها، ترکمن‌ها، مغول‌ها، ارمنی‌ها، سامی‌ها، یعنی عرب‌ها، یهودی‌ها و آشوری‌ها)، و سایر گروه‌های مختلط (پیشین).

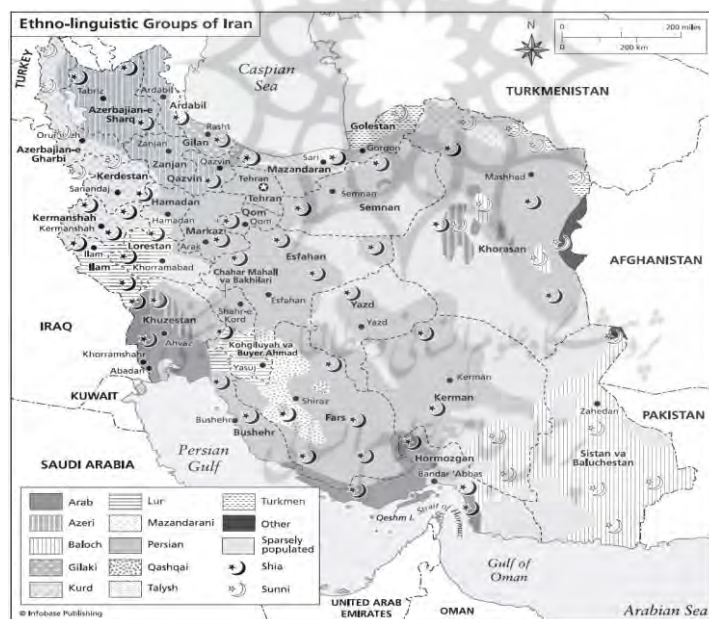
بعلت مشخص نبودن گزینه سوال برای تشخیص قومیت و زبان افراد در سرشماری رسمی، آمار و ارقام کاملاً مشخصی در دست نیست. از اینرو تعدد آمار و ارقام در این زمینه امری طبیعی است. اطلس جامع گیتاشناسی، ترکیب جمعیتی ایران را بصورت زیر بیان می‌دارد. فارس ۵۱ درصد، آذربایجانی ۲۴ درصد، گیلکی و مازندرانی ۸ درصد، کرد ۷ درصد و بقیه ۱۰ درصد. بطور کلی باید گفت که تمام نواحی حاشیه‌ای و مرزی ایران را اقوام در اختیار دارند. این گروه‌ها در نواحی مختلف کشور عبارتند از: آذری‌ها در شمال غربی، کردها و لک‌ها در غرب ایران، لرها در غرب و جنوب غربی و جنوب ایران، عرب‌ها در جنوب غرب، بلوچ‌ها و سیستانی‌ها در جنوب شرق و شرق، گروه‌های محلی خاص خراسان در شرق، ترکمن‌ها در شمال شرق، گیلک، مازندرانی و طالش و گالش‌ها در سواحل دریای خزر در شمال.

از جنبه مذهبی، با اینکه «کشور ایران از نظر زبانی ناهمگن‌ترین کشور خاورمیانه شمال آفریقا به شمار می‌رود» (دریسدال و همکار، ۲۰۵، ۱۳۷۰)، ولی از نظر مذهبی وضعیت بسیار مناسب‌تری دارد.



براساس سرشماری‌های به عمل آمده، اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران (بیش از ۹۹ درصد) مسلمان هستند؛ پس از مسلمان؛ پیروان مسیحیت با ۰/۱۳ درصد بیشترین فراوانی را دارند و در مرتبه‌های بعدی به ترتیب: زرتشتیان، یهودیان و پیروان دیگر ادیان با نسبت‌های بسیار ناچیز (کمتر ۰/۰۵ درصد) قرار دارند. همچنین حدود ۹۵ درصد از مسلمانان شیعه اثنی عشری و بقیه اهل سنت هستند. اهل سنت نیز خود به دو شاخه حنفی - که عمدتاً در شرق و جنوب شرقی ایران استقرار دارند - و شافعی که در غرب و منطقه کردستان هستند - تقسیم می‌شوند (حافظ‌نیا، ۱۴۷، ۱۳۸۱). همچنین در ایران گروه‌های فرقه‌ای همچون اهل حق، بهائیت، نقشبندیه و... نیز وجود دارد که در آمارها و منابع کمتر به آن اشاره می‌گردد.

در کتاب «دانشنامه مردمان آفریقا و خاورمیانه»، ترکیب قومی - مذهبی کشور ایران بصورت نقشه زیر (شکل ۱) بازنمایی شده است.



شکل (۲): توزیع فضایی اقوام و مذاهب در ایران

منبع: (Stokes, 2009, 313)

وجود اقوام و مذاهب در درون یک کشور ممکن است بدون بازتاب سیاسی بوده و چندان مورد توجه نباشد و یا ممکن است که بعد سیاسی عمیقی یابد و فضای سیاسی خاصی را تحت تأثیر قرار داده و ژئوپولیتیک درونی خود را رقم بزند.

«اهمیت تقاضاهای سرزمینی در روایت‌های فعالان قومی، پدیده‌ای بسیار عادی می‌باشد- تقاضای برای استقلال در درون دولت، برای جدایی از آن و برای ادغام با دولتی دیگر. این ارتباط میان قومیت و سرزمین‌گرایی گرچه جا افتاده می‌باشد، اما در عین حال پیچیده می‌باشد. وابستگی قومی و موقعیت سرزمینی برای مدت طولانی به عنوان منبع هویت‌یابی ملی پذیرفته شده است» (Coakley, 2003, 12).

اقوام عمده ساکن ایران نیز با توجه به ویژگی‌های اجتماعی و جغرافیایی، از بعد سیاسی، از گذشته تا کنون رفتارها و واکنش سیاسی مختلفی از خود نشان داده‌اند و هر کدام ادعاهای متفاوتی را دارند که در جدول زیر این تمایزات به نمایش در آمده‌اند. این تحرکات سیاسی، از خودمختاری قبیله‌ای تا استقلال‌طلبی را در بر می‌گیرد. البته نحوه فعالیت سیاسی اقوام ساکن ایران را باید با توجه به زمان مورد توجه قرار داد. در حالی که هیچ قومی در ایران در گذشته و قبل از جنبش مشروطه برای خودمختاری یا استقلال فعالیت سیاسی نداشته و فعالیت سیاسی آنها بیشتر برای کسب و اختیار جایگاه دولت مرکزی بوده؛ اما بعد از جنبش مشروطه این وضعیت دگرگون شده و در میان بعضی اقوام تلاش برای کسب خودمختاری و حتی گاهی استقلال در اولویت قرار گرفته است.



جدول ۱- ویژگی های جغرافیای سیاسی اقوام ساکن ایران

گروه قومی	جمعیت (میلیون نفر)	حوزه سکونت	همسایگان	آرایش جمعیتی	مذهب	وضعیت اقتصادی	عامل	محور اصلی گرایش سیاسی	میزان فعالیت گسست
ترک	۲۵	اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی	ترکیه، جمهوری آذربایجان	پراکنده	شیعه	نسبتاً خوب	زبان	خودمختاری، استقلال	کم
کرد	۴-۵	کردستان، شمال خراسان، همدان، آذربایجان غربی	عراق، ترکیه	نیمه متمرکز	سنی	متوسط به پائین	دین - زبان	استقلال طلبانه	متوسط
عرب	۱	خوزستان	عراق	متمرکز	شیعه	متوسط	زبان - نژاد	ناسیونالیسم	کم
لر	۳-۴	لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، چهارمحال بختیاری	عراق	نیمه متمرکز	شیعه	پایین	-	خودمختاری قبیله ای	خیلی کم
بلوچ	۲	سیستان و بلوچستان	پاکستان، افغانستان	متمرکز	سنی	خیلی پائین	دین - اقتصاد	استقلال طلبی	متوسط
ترکمن	۱	گلستان	ترکمنستان	متمرکز	سنی	متوسط	زبان - دین	استقلال طلبی	خیلی کم

منبع: (افتخاری، ۱۳۷۸: ۴۷)

آنچه که ژئوکالچر ایران در پیوند با سلفی گری رقم می زند، تلاش فعالان قومی برای استفاده ابزاری از مذهب در استان های سنی نشین برای رسیدن به اهداف سیاسی می باشد. با اینکه ژئوپولیتیک درونی و ایدئولوژی سیاسی ایران اقتضا می نماید که دولت مرکزی ایران، سیاست تقریب مذاهب اسلامی را در پیش بگیرد و در صدد ایجاد حس همبستگی در میان تمام مذاهب باشد، ولی تفاوت مذهبی در این استان ها به عنوان یک ابزار سیاسی مورد استفاده افراطیون سلفی و فعالان قومی قرار گرفته و زمینه های تهدید

سیاست ژئوپولی

دوره پنجم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۷



و ناامنی را در پیرامون ایران فراهم می‌آورد. همانگونه که در جدول بالا مشاهده می‌گردد، شدیدترین شکل فعالیت قومی؛ یعنی استقلال طلبی را در استان‌هایی شاهد هستیم که هویت مذهبی آنها اهل سنت می‌باشد. سلفی‌گری می‌تواند به عنوان قرائتی از دین اسلام از طرف بسیاری از علمای اهل سنت مورد توجه قرار گرفته و با رسوخ و گسترش دادن آن در دل توده‌ها، باعث فرقه‌گرایی شده و در پیوند با قومیت‌گرایی، قدرت مرکزگیزی بعضی اقوام را به شدت بالا ببرد و چالش‌های نوینی را در عرصه ژئوپولیتیک این استان‌ها رقم بزند؛ چالش‌هایی که می‌توان بر اساس محورهای زیر مورد بحث قرار گیرند.

۶-۲- شکل‌گیری فرقه‌گرایی قومی - مذهبی

بررسی عملکرد جریان‌های قومی و مذهبی در بحران‌های مناطق حاشیه‌ای کشور، حکایت از افزایش تدریجی توان آنها دارد. طی سال‌های اخیر، فعالیت گروه‌های اقلیت - گرا و افراط‌گرایی مذهبی، بویژه گروه‌های افراط‌گرایی سنی در داخل ایران و کشورهای همسایه تشدید شده است. به یقین چنین فرایندی آثار زیادی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت. از مهمترین نشانه‌های ظهور این افراط‌گرایی جدید در چند سال گذشته، ظهور تروریسم فرقه‌ای در نواحی شرقی و رشد جریان‌های سلفی با ایدئولوژی معارض تشیع در برخی از استان‌های مرزی بوده است (جهانی، ۱۳۹۲: ۵). ظهور افراط‌گرایی خشن با انگیزه‌های مذهبی، تحول مهمی در قلمرو چالش‌ها و مسائل قومی و مذهبی در ایران به شمار می‌رود. حمله به نیروهای انتظامی - امنیتی، گروگان‌گیری مردم و نیروهای نظامی، حملات انتحاری به مساجد و مراسم مذهبی شیعیان و حملات انتحاری به مراکز انتظامی و مسئولان نظامی، نمودهای افراط‌گرایی و خشونت‌گرایی قومی - مذهبی است که نتیجه آن کشته و مجروح شدن ده‌ها نفر در سال‌های گذشته بوده است.

بدون تردید دیدگاه و مواضع تند برخی بزرگان افراطی و متعصب منتسب به



[مکاتب افراط‌گرا] نسبت به شیعه و انقلاب در خارج از کشور موجب مخالفت و مبارزه با انقلاب و شیعه میان برخی وابستگان به این جریان در داخل کشور و به تبع آن افزایش میزان رفتارهای خشونت‌آمیز شده است. نمود بارز آن، شکل‌گیری جریان‌ها و اپوزیسیون‌های مختلف مخالف انقلاب در داخل و خارج از کشور است. برخی از این گروه‌ها عبارت‌اند از: انجمن طلاب اهل سنت ایران، سازمان اهل سنت ایران، الفرقان، جند شیطان، و جیش العدل که عمدتاً در جنوب شرق کشور فعال هستند (جهانی، ۱۳۹۲: ۳۷). امروزه وهابیت تکفیری عملاً به عنوان حامی اصلی و پشتیبان بسیاری از گروه‌های تکفیری در جهان اسلام محسوب می‌شود. در داخل ایران، از گروه‌هایی مانند انصارالسنه، انصار الاسلام، توحید و جهاد کردستان و... می‌توان به عنوان گروه‌های وهابی تکفیری ارهابی نام برد. ترور ماموستا «محمد شیخ‌الاسلام»، نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری، ماموستا «برهان‌الدین عالی»، امام جمعه موقت سنندج، و همچنین قضاات دادگستری در شهرستان سنندج در سال ۱۳۸۸ ناشی از آثار افکار انحرافی این گروه‌هاست (جهانی، ۱۳۹۲: ۲۳).

۶-۳- تقابل فرهنگ سیاسی

همچنین، حساسیت روی هویت و ترمینولوژی شیعی از جمله بارزترین نقاط اشتراک طیف‌ها و گرایش‌های مختلف سلفی‌گری است. با این تفاوت که طیف معتدل آن، شیعیان را «مسلمانان منحرف و بدعت‌گذار» می‌نامند که احیاناً جوامع سنی در معرض تهدید و حمله آنها قرار می‌گیرند؛ اما طیف افراطی سلفیون، بی‌واهمه تشیع را «دین خود ساخته» می‌خوانند (ستوده و خزائی، ۱۳۹۳: ۱۷).

جریان وهابیت حکومتی، در حال حاضر به دنبال جذب و آموزش اعتقادات وهابیت به جامعه نخبگانی اهل سنت ایران بویژه از طریق دانشگاه مدینه و اعزام مجدد آنان به داخل کشور برای تزریق اعتقادات وهابیت به بدنه اهل سنت است (جهانی، ۱۳۹۲: ۲۲). در اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی که در چند سال اخیر توسط گروه‌های تروریستی مذهبی



و تکفیری همچون جیش‌العدل و داعش علیه جمهوری اسلامی ایران و شیعیان صادر شده، همواره از واژگان اشغال، تجاوز و مانند آنها برای توجیه کنش تروریستی و دعوت جوانان اهل سنت به گرایش و پیوستن به این گروه‌ها استفاده شده است. جیش‌العدل در بیانیه توجیه عملیات تروریستی خود و ایجاد گرایش و حمایت در میان جوانان اهل سنت کشورمان، در روز جمعه ششم دی ماه ۱۳۹۲ آورده است:

«از همه عزیزان و جوانان اهل سنت می‌خواهیم برای جهاد و رباط در راه الله آماده‌گیری کنند و پیش از این فرصت‌ها را از دست ندهند و به یاری دین الله و ملت مظلوم اهل سنت به پا خیزند... دلیلی بالاتر از این وجود ندارد که هویت و سرزمین و عقیده ما مورد اشغال، تمسخر و اهانت قرار دارد» (پورسعید، ۱۳۹۳ ب: ۵).

یکی از مفاهیمی که تندروهای سلفی و وهابیان بدان اهتمام دارند، مفهوم رافضی-هاست. منظور از این مفهوم، شیعیانی است که به عقیده آنان از دین خارج شده و دین اسلام را منحرف کرده‌اند. شیعیان به پیروان علی(ع) گفته می‌شوند که بر سر خلافت بعد از حضرت محمد(ص) با سنی‌ها اختلاف دارند. هرچند اصل اختلاف شیعه-سنی بر سر جانشینی حضرت محمد(ص) است، به نظر می‌رسد که ریشه اساسی اختلاف میان القاعده یا وهابیان با شیعیان به هویت شیعیان بر می‌گردد. هرچند شیعیان عراق، عرب و شیعیان ایران، فارس و ترک‌اند، نسل دوم القاعده در عراق، یعنی نسل الزرقاوی، شیعیان را با هویتی ایرانی، فارسی و مجوسی خطاب می‌کنند.

بر این اساس، اختلاف آنان با شیعیان به جز عنصر مذهبی به عنصر هویتی فارس و عرب بر می‌گردد؛ اما باید این نکته را یادآور شد که در قرن‌های نخستین هجری، شیعیان دوازده امامی عرب و فارس‌ها سنی بوده‌اند. قدر مسلم تاریخی این است که فارس‌ها و بیشتر آنها از اصل سنت بوده‌اند. ابن خلدون با ستایشی از فارس‌ها در مقدمه خود یادآور می‌شود که رهبران اهل سنت، همگی ایرانی‌اند؛ البته در قرن‌های متأخر

یاست پژوهی
ژنو کالچر، سلفی‌گری و ژئوپولیتیک در ایران



ایرانیان به مذهب دوازده امامی گرویده‌اند؛ بدین ترتیب عنصر پان عربیسم، که در نسل دوم القاعده در عراق ریشه دارد در گفتمانی ضد ایرانی و شیعی گسترش پیدا کرده است.

آنچه سبب می‌شود وهابیان و القاعده به خطا بروند، این است که به عقیده آنها، منابع دوازده امامی (شیعه) به تفکر زرتشتی، یهودیت یا مسیحیت بر می‌گردد... میان اهل سنت و شیعه اختلاف اساسی و ریشه‌ای نیست و این تفکر اسلام سیاسی نوسلفی، برگرفته از ریشه گفتمان وهابیت است که شیعیان را رافضی می‌نامند. زیربنای این تفکر به شناخت تک بعدی و افراط‌گرایی آنها و عنصر عرب‌گرایی و ناسیونالیسم عرب بر می‌گردد (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۰۹-۲۰۷).

با توجه به فعالیت گروه‌های سلفی، مهمترین و خطرناک‌ترین تهدید از جانب آنها، زیر سوال بردن ایده حاکمیت مذهب رقیب خود، یعنی تشیع، است. گروه‌های مختلف تکفیری- سلفی با توجه به موضع‌گیری‌های خود نشان داده‌اند که تعریف حاکمیت از منظر فقه تشیع مورد قبول آنها نمی‌باشد.

جامعه دیوبندی پاکستان در نشریه الفاوقیه، ارگان دارالعلوم فروقیه کراچی، بیان می‌دارد: اینکه امام مسلمین رافضی باشد، نه جایز است و نه سزاوار و نه صحیح؛ زیرا امام جماعت مسلمین نمی‌تواند کافر باشد. واجب است مسلمانان اگر استطاعت جهاد و مبارزه دارند، علیه حکومت رافضی که بر اهل سنت ایران حکم می‌راند، قیام کنند (جهانی، ۱۳۹۲: ۳۱).

اولین شماره نشریه رسمی داعش با نام دابق^۱ یک تیتراژ بر روی جلد دارد که «بازگشت خلافت»^۲ را خیر می‌دهد (نصری، ۱۳۹۳: ۴۳). در این شماره از بازگشت خلیفه و در خلال آن از تدابیر دولت اسلامی در عراق و شام سخن رفته است (نصری، ۱۳۹۳).

1 - Dabiq
2 - Return of Khalifah



۴۶). طرح حک شده بر شماره دوم دابق تیتزر بزرگ «طوفان» را بر پیشانی خود دارد. در این تصویر، خلافت، حکم کشتی نوح را دارد که هر کس با او بیعت نکند اسیر طوفان خواهد شد و یگانه راه نجات از طوفانی که در شرف وقوع است، سوار شدن بر کشتی نوح است که اکنون ابوبکر البغدادی نماد عینی آن است (نصری، ۱۳۹۳: ۴۷). دابق می-کوشد مخاطب خود را قانع کند که دولت اسلامی مستقر در الرقه، سازمانی نظامی-تروریستی نیست، بلکه ظهور دوباره دستگاه خلافت است که پشتوانه استوار دینی دارد (نصری، ۱۳۹۳: ۴۹). داعش این گونه تبلیغ می‌کند که هدف از برپایی دولت اسلامی یا «دا»، در سرزمین‌های سوریه و عراق و تلاش برای گسترش آن، بازیابی و احیای «عزت» و «کرامت» مسلمانان است که توسط اشغالگران صلیبی و متحدین صهیونیست و رافض (شیعی) آنها و همچنین حکومت‌های کافر جامعه جاهلی قرن بیست و یکم، لگدکوب و مخدوش شده و جامعه اسلامی بجای تکریم، از سوی جامعه جهانی مورد تحقیر قرار می‌گیرد (پورسعید، ۱۳۹۳ الف: ۵۲). داعش نیز در بیانیه‌ها و اعلامیه‌های خود، ارتش عراق را ارتش صفوی می‌نامد و عموماً از اطلاق ارتش عراق خودداری می‌کند. ارتش صفوی در ادبیات داعش، اشاره به ارتش قدرتمندی دارد که با اتکا به مذهب شیعه، سلسله صفوی را به دست شاه اسماعیل در قرن ۱۶ م در ایران بنیاد نهاد و به مقابله با حکومت عثمانی پرداخت و به تصمیم شاه اسماعیل، مذهب ایران از تسنن به تشیع تغییر یافت (پورسعید، ب ۱۳۹۳: ۶).

۶-۴- افزایش فعالیت‌های تروریستی

صلاح‌الدین فاروقی (اسم مستعار)، رهبر جیش العدل در اعلامیه تاسیس جیش العدل می‌نویسد:

«جیش العدل سازمانی سیاسی و نظامی است که جهت دفاع از حقوق مردم سنی مذهب ایران تشکیل شده و هدف بنیادین و اساسی آن، دفاع در برابر تجاوز اشغالگران و متجاوزان به دین و ناموس و مذهب و دنیای مردم می-

یاست پژوهی

ژنو کالچر، سلفی‌گری و ژئوپولیتیک در ایران



باشد. اهل سنت ایران چنان مورد ستم قرار گرفته‌اند که حتی در سرزمین مادری خود مانند بلوچستان و کردستان و اهواز، تبدیل به بیگانگانی بی- اختیار شده‌اند که مانند مهاجران خارجی با آنها رفتار شده است» (پورسعید، ۱۳۹۳ ب: ۵).

یکی از فعال‌ترین این گروه‌ها که در داخل کشور ایران عملیات‌های تروریستی فراوانی را انجام داده است، گروه جندالله می‌باشد که نمونه‌ای از فعالیت‌های تروریستی آن در طی سال‌های گذشته در استان سیستان و بلوچستان در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲: فعالیت‌های تروریستی گروه جندالله در طی سال‌های گذشته در استان سیستان و بلوچستان

ردیف	عملیات	تاریخ عملیات	محل عملیات	نتایج عملیات	پیامدهای عملیات
۱	حمله به کاروان انتقال رئیس جمهور	۹/۲۳ ۱۳۸۴	مناطق کویری سیستان	کشته شدن محافظ و راننده خودرو احمدی نژاد	
۲	حمله به پاسگاه مرزی گدار ناهوک	۱۰/۱۲ ۱۳۸۴	منطقه سراوان	۸ سرباز و مرزبان و رئیس پاسگاه	آزادسازی ۸ تن از سربازان در تاریخ ۱۰ بهمن همان سال با میانجیگری بزرگان طوایف منطقه و اعلام خبر اعدام رئیس جمهور
۳	اسارت ۳ تبعه ترکیه	۱۰/۲۵ ۱۳۸۴	جانب ایران در قبال آزادی گروگان‌ها	درخواست پرداخت ۱ میلیون دلار از جانب ایران در قبال آزادی گروگان‌ها	اسناعیل احمدی مقدم و مصطفی پورمحمدی آمریکا را مشوق جنبش جندالله برای این عملیات نامیدند و این عملیات را به سفارش نیروهای اطلاعاتی آمریکا دانستند. جنبش جندالله ایران در تاریخ ۸۵/۱/۲ با انتشار فیلمی عنوان کرد که در صورت آزاد نکردن ۵ عضو این گروه از جانب نیروهای انتظامی ایران



					<p>کروگان های واقعه تاسوکی را خواهد کشت. اکبر اعلم، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در فروردین ۱۳۸۶ استاندار و برخی نیروهای انتظامی سیستان را به کوتاهی در جلوگیری از این واقعه متهم کرد. عبدالحمید ریگی و ۱۵ عضو دیگر جنبش جندالله ایران توسط نیروهای امنیتی پاکستان دستگیر و در ۱۳۸۷/۳/۲۵ به ایران تحویل داده شد.</p>
۴	حادثه تاسوکی	۱۳۸۴/۱۲/۲۵	منطقه تاسوکی	<p>قتل ۲۲ تن از مسافران عبوری از محور زابل به زاهدان. آتش زدن ۶ خودروی متعلق به مسافران. اسارت عده ای نامعلوم از مسافران عبوری. زخمی شدن فرماندار زاهدان در این حمله</p>	
۵	حملات پراکنده به غیرنظامیان	۱۳۸۵/۱/۱۸ تا به امروز	استان سیستان و بلوچستان	<p>ترور و اسارت مردم غیرنظامی و گاه گاه اعدام</p>	<p>گزارش حسینعلی شهبازی، نماینده زاهدان، در جلسه علنی مجلس در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۲۰ از حملات دو روز قبل جنبش تروریستی جندالله ایران به مردم عادی.</p>



					ایجاد قرارگاه بعثت در منطقه مرزی با پاکستان. اعدام یکی از گروگان های غیر نظامی در ۱۷ اردیبهشت همان سال. برپایی مانور اقتدار در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۲۸ برای سرکوب گروهک جنبش مقاومت مردمی ایران با مشارکت کلیه نیروهای نظامی ایران. آزادی ۴ گروگان و هلاکت ۱۴ عضو جنبش در ۶ خرداد همان سال. برپایی رزمایش ضربت ذوالفقار توسط نیروی زمین ارتش در ۲۸ مرداد همان سال
۶	حمله به مدموران نیروی انتظامی	تقاطع بلوارهای بزرگمهر و معلم شهر زاهدان	۱۱/۱۲ / ۱۳۸۵	شهادت ۴ مأمور پلیس و یک شهروند	اعدام و تن از اعضای جنبش جندالله در این حمله
۷	حمله به اتوبوس حامل نیروهای سپاه پاسداران با خودروی حامل مواد منفجره	بلوار ثارالله شهر زاهدان	۱۱/۲۵ / ۱۳۸۵	کشته شدن ۱۳ نفر و زخمی شدن ۳۰ تن دیگر از اعضای سپاه و مردم عادی	محکومیت این حمله از جانب سازمان ملل متحد. جنبش مقاومت مردمی ایران این حمله را عملی تلافی جویانه در قبال اعدام اعضایش نامید. نصرالله شنبه زهی در ۳۰ بهمن همان سال به جرم دخالت در بمب گذاری در محل انفجار اعدام شد. فردی به نام سعید ق. به جرم مشارکت در ۱۳۸۶/۳/۱۳ در همان محل اعدام شد.
۸	انفجار بمب صوتی	بلوار جمهوری شهر زاهدان	۱۱/۲۷ / ۱۳۸۵	بدون تلفات	
۹	حمله به پاسگاه مرزی نگور	منطقه نگور	۱۳۸۵/۱۲/۸	شهادت ۲ مأمور مرزبانی و اسارت ۴ نفر	



	دیگر و انتقال آنها به پاکستان				
۱۰	شبیخون اعضای جنبش به جمعی از پاسداران	۱۱ مأمور سپاه پاسداران شهید و ۹ تن زخمی شدند	روستای دومک - منطقه کورین	۴/۲۸ ۱۳۸۶	
۱۱	حمله به خودروهای عبوری	گروگانگیری ۲۱ غیرنظامی و انتقال آنها به پاکستان	جاده چابهار به ایرانشهر	۵/۲۸ ۱۳۸۶	
۱۲	ترور مهدی توکلی (روحانی شیعه)	شهادت وی توسط دو راکب موتور سوار	روستای افتخارآباد شهرستان خاش	۱۳۸۶/۷/۱۰	
۱۳	درگیری مسلحانه در مدرسه علمیه	۶ تن از روحانیون و طلاب سنی مذهب که متهم شدند با جنبش مقاومت مردمی ایران همکاری کرده‌اند محاکمه شدند؛ اما خود این مسأله را رد کردند.	روستای چاه جمال شهرستان ایرانشهر	۱۳۸۶/۹/۲۲	
۱۴	حمله به پاسگاه مرزی	گروگانگیری ۱۶ مأمور مرزبانی و انتقال آنها به پاکستان	منطقه سراوان	۸۷/۳/۲۳	
۱۵	ترور ابراهیم کریمی	۳ عضو جنبش مقاومت مردمی دستگیر شدند. علیرضا براهویی در زاهدان اعدام	قتل وی	۳/۲۷ ۱۳۸۷	



شد.				(معاون دادگستری سراوان)	
	ترور ناموفق بود و وی زخمی شد	شهرستان خاش	۱۳۸۷/۷/۶	فضل الله شهبازی (دادستان عمومی و انقلاب خاش)	۱۶
محمود احمدی نژاد در سفری غیرمنتظره برای بررسی بیشتر به زاهدان رفت.	عبدالغفور ریگی (برادر کوچک عبدالمالک) با انفجار بمب همراه خود ۴ نفر از پرسنل نیروی انتظامی را کشته و ۱۲ نفر دیگر را نیز مجروح کرد.	شهرستان سراوان	۱۳۸۷/۱۰/۹	حمله انتحاری به صبحگاه مشترک نیروی انتظامی	۱۷
	کشتن مأمورین راکب وانت و بازگشت به پاکستان	شهرستان سراوان	۱۳۸۷/۱۱/۶	شبیخون به وانت تدارکات نیروهای نظامی	۱۸
آیت الله خامنه ای [مد ظل] آمریکا را در این بمب گذاری دخیل دانست. علی لاریجانی در ۱۱ خرداد همان سال مسئولیت انفجار را از اهل سنت دور	کشته شدن ۲۵ نمازگزار و زخمی شدن ۱۲۰ تن دیگر	مسجد علی ابن ابیطالب شهر زاهدان	/۱۱/۳۰ ۱۳۸۷	انفجار بمب صوتی	۱۹



					دانسته و به آمریکا نسبت داد. سه نفر در ارتباط با بمب گذاری، پیش از خاک سپاری قربانیان، به اتهام افساد فی الارض در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۹ اعدان شدند. ۲ تن از اعضای دستگیر شده در این رابطه در ۱۶ خرداد همان سال اعدام شدند.
۲۰	حمله به ستاد انتخاباتی محمود احمدی نژاد	۱۳۸۸/۳/۸	زاهدان	مجروریت ۳ نفر از اعضای ستاد	
۲۱	حمله انتحاری به نمایشگاه صنایع دستی	۱۳۸۸ ۷/۲۶	شهر سرپاز	کشته شدن ۴۱ نفر و زخمی شدن ۱۵۰ نفر دیگر	محمود احمدی نژاد پاکستان را به کوتاهی در دستگیری اعضای جنبش جندالله بعد از این عملیات متهم کرد. سپاه پاسداران از کشور پاکستان درخواست مجوزی مبنی بر انجام عملیات نظامی داخل خاک پاکستان را علیه جنبش مقاومت مردمی ایران خواستار شد. مصطفی محمد نجار، وزیر کشور، برای انجام مذاکراتی در جهت دستگیری اعضای جنبش جندالله توسط نیروهای پاکستانی به این کشور سفر کرد.
۲۲	حمله ۲ انتحاری به مسجد جامع زاهدان	۱۳۸۹/۴/۲۴	شهر زاهدان	کشته شدن ۲۷ نفر و زخمی شدن ۱۶۹ نفر دیگر	این بمب در روز تولد امام سوم شیعیان حسین بن علی (ع) و روز پاسدار صورت گرفت. اولین انفجار در حالی صورت گرفت که مردم در حال خواندن دعای کمیل بودند و در جلوی درب ورودی مسجد صورت گرفت و انفجار بعدی زمانی که مردم برای کمک رسانی به تلفات انفجار آمده بودند صورت گرفت. در انفجار اول تعدادی از مأمورین سپاه پاسداران که

سیاست پژوهی

ژئوکالچر، سلفی گری و ژئوپولیتیک در ایران



برای بازرسی در درب مسجد ایستاده بودند کشته شدند. این حملات انتحاری را دو عضو نوجوان این گروه به نام های محمد ریگی و عبدالباسط ریگی انجام دادند.					
در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۸۹، ۱۱ هوادار گروه جندالله در زندان زاهدان دستگیر شدند.	کشته شدن ۳۹ نفر	چابهار	۱۳۸۹/۹/۲۴	بمب گذاری در مراسم تاسوعا در چابهار	۲۳

۶- ۴- پیوند ژئوپولیتیک درونی و بیرونی

یکی از تأثیرات فراملی جریانات سلفی برای جمهوری اسلامی ایران پیامدهای ژئوپولیتیکی می‌باشد. از جمله این پیامدهای ژئوپولیتیکی به چالش کشیدن قدرت منطقه‌ای ایران توسط رقبای منطقه‌ای از طریق این گروه‌ها و خود این گروه‌ها می‌باشد. رشد جریان‌های سلفی - تکفیری با حمایت دولت‌هایی مانند عربستان سعودی و قطر در راستای اهداف استراتژیک خویش در منطقه، منجر به یک منازعه مذهبی در قالب تقابل شیعه - سنی شده است که در بحران‌های کنونی و کشتارهای خونین شیعیان به دست گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق عینیت یافته است (ستوده و خزائی، ۱۳۹۳: ۱۷).

در واقع رهبران عربستان سعودی و قطر باور دارند که روی کار آمدن یک رژیم سنی در سوریه و عراق، می‌تواند قدرت شیعیان منطقه را که به ایران نزدیک هستند محدود و در نتیجه وزن استراتژیک منطقه‌ای آنها را در مقابل ایران که در دهه گذشته از افزایش قابل توجهی در منطقه برخوردار شده است، افزایش دهد. در واقع برای دولت‌های عربستان و قطر، شورش‌های اخیر فرصتی در راستای خارج نمودن سوریه و عراق از صف متحدین ایران و در نقطه مقابل افزایش نقش منطقه‌ای آنها در شرق مدیترانه در راستای تغییر موازنه به نفع خود و به ضرر ایران است. در همین راستا، عربستان



سعودی سعی در تقویت و حمایت‌های مادی از جریان‌های سلفی - تکفیری از جمله داعش، النصره، و... نموده که همین امر می‌تواند یک جنگ مذهبی در منطقه به وجود آورد (ستوده و خزائی، ۱۳۹۳: ۱۸). نسل سوم القاعده که گروه‌هایی همچون جبهه النصره، احرار الشام و گروه توحید و جهاد سابق و داعش فعلی از نمایندگان آن هستند، به جای منافع غربی‌ها و شهروندان اروپایی - آمریکایی، در پی شکست دادن و کشتار دشمنان نزدیک، یعنی شیعیان هستند و بجای تکفیر و کافر و مشرک خواندن یهودیان و مسیحیان، از اولویت کشتار رافضی‌ها یعنی منحرفین از دین اسلام سخن می‌گویند. به باور اینان، ایرانیان طی پانصد سال اخیر به همت سلسله صفویه، شیعه شده و تشیع را در کشورهای عراق، لبنان و سوریه گسترش داده‌اند. از این رو لازم است بازوهای متحرک ایران در منطقه قطع شود و سپس «ام المعمارک» یا «نبرد کبیر» علیه مملکت صفویان آغاز گردد (نصری، ۱۳۹۳ ب: ۱۴). داعش می‌خواهد مناطق نفوذ ایران در سه کشور سوریه، عراق و لبنان را تار و مار کند تا توان تحرک تهران در منطقه محدود و محدودتر شود و زمینه برای ام‌المعمارک یا به اصطلاح رسانه داعش، مادر جنگ‌ها علیه ایرانیان شیعه (صفویان رافضی) مهیا گردد (نصری، ۱۳۹۳ ب: ۲۱).

از طرف دیگر ترکیه دیگر رقیب منطقه‌ای ایران، برای دست یافتن به جایگاه محوری در منطقه خاورمیانه، ناگزیر باید به تضعیف رقبای منطقه‌ای قدرتمندی چون ایران و عربستان پردازد. ترکیه به این نتیجه رسیده است برای اینکه بتواند اهداف خود را در سطح منطقه‌ای دنبال کند، چاره‌ای جز داشتن یک بازوی نظامی - سیاسی در سطح فراملی ندارد. در واقع، ارتباط ترکیه با داعش را می‌توان در این راستا تحلیل نمود. در بین گروه‌های معارض حکومت سوریه که مورد حمایت ترکیه هستند، داعش و گروه النصره نقش برتر را دارند. اگرچه ارتش آزاد و دولت موقت سوریه با توجه به ماهیت اخوانی و برداشت نزدیکی که نسبت به اسلام مورد نظر ترکیه دارند، قرابت بیشتری نسبت به گروه داعش با این کشور دارند، اما با توجه به تأثیرگذاری ناچیز آنها در

یاست پژوهی
ژنو کالچر، سلفی‌گری و ژئوپولیتیک در ایران



تحولات سوریه، نمی‌توانند اهداف آنکارا را محقق کنند. در مقابل، داعش با توجه به برخورداری از ایدئولوژی سلفی - تکفیری اسلام سنی و قدرت نظامی قابل ملاحظه‌ای که دارد، می‌تواند اهداف ترکیه را برآورده سازد. به عبارت دیگر، دولتمردان ترکیه با حمایت از داعش، در پی ناکارآمد سازی نظم سیاسی شیعه محور در سوریه، عراق و لبنان و تقسیم قدرت بین بازیگران و اقلیت‌های قومی - مذهبی هستند. در واقع، حکومت اسلام‌گرای ترکیه درصدد ایجاد هلال اخوانی - سنی در مقابل آنچه هلال شیعی به رهبری جمهوری اسلامی ایران خوانده می‌شود، است. در این راستا، بایستی شرایط برای به قدرت رسیدن دوستان ترکیه در کشورهای منطقه فراهم شود. ترکیه برای تحقق این رویای خود، حمایت از گروه‌های تروریستی - تکفیری را به منظور سرنگونی دولت شیعی عراق و دولت علوی سوریه در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است (موسوی، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۲). شکاف در حال باز شدن بین باورهای شیعه و سنی یکی از مهمترین عوامل در بی‌ثباتی خاورمیانه می‌باشد و هیچ نشانی از پایان آن نیست (Abdo, 2013: 5).

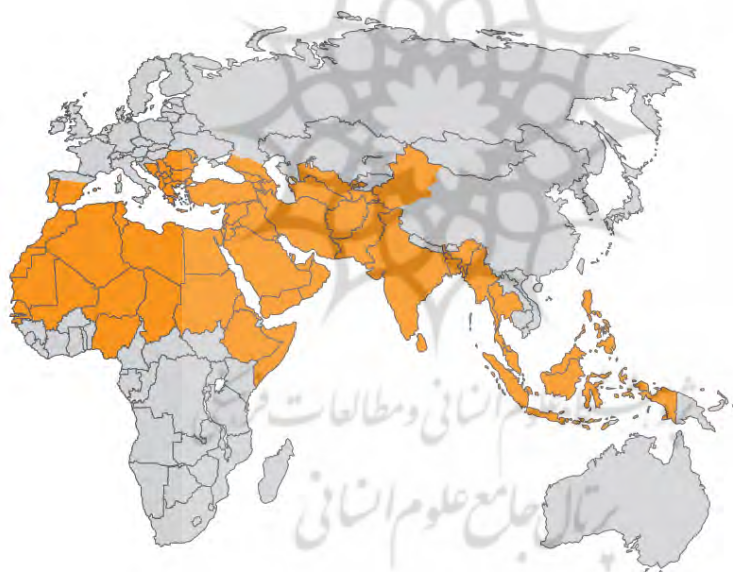
علاوه بر به چالش کشیدن قدرت ژئوپولیتیکی ایران در منطقه توسط رقبای منطقه‌ای با حمایت از این گروه‌های تکفیری، استراتژی گسترش قلمرو خود این گروه‌ها می‌تواند نه تنها برای قلمرو ژئوپولیتیکی ایران در مناطق ژئوپولیتیکی مختلف جهان اسلام، بلکه همچنین برای قلمرو ایران در مقیاس ملی هم چالش برانگیز باشد.

استراتژی گسترش قلمرو داعش می‌تواند موج گسترده‌ای را در قالب جریان سلفی تکفیری متحد کند (موسوی، ۱۳۹۴: ۴۵). مهمترین هدف داعش برای نفوذ به لبنان، ضربه زدن به حزب الله لبنان و تضعیف قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است (موسوی، ۱۳۹۴: ۵۲) به طور مشخص، کشورهای خاورمیانه، شبه‌جزیره عربستان، شبه‌قاره هند، شمال آفریقا، آفریقای مرکزی، آسیای میانه و قفقاز و نیز برخی کشورهای غربی از مهمترین مناطقی هستند که در استراتژی گسترش قلمرو مورد توجه داعش قرار گرفته



است. بخش تبلیغاتی و رسانه‌ای داعش، نقشه اولیه‌ای را منتشر کرده که تمامی جهان را در بر می‌گیرد و محور آغازش نیز عراق و سوریه است. سپس، همسایگان نزدیک یعنی کویت، اردن، و لبنان تا فلسطین را شامل می‌شود. اخیراً داعش اسامی ۲۴ ولایت خود در کشورهای مختلف را اعلام نموده که کشورهای عربستان، یمن، لیبی، مصر و الجزایر را نیز شامل می‌شود. ۱۶ ولایت از ولایت‌های فوق در سوریه و عراق بوده و بقیه در یمن، الجزایر، سینا (مصر) برقه، فزان، طرابلس (لیبی)، بلاد الحرمین (عربستان) و خراسان است (موسوی، ۱۳۹۴: ۴۱). همانطور که ملاحظه می‌گردد برخی از این ایالات، همچون خراسان، در داخل ایران و برخی مثل سوریه عراق یمن لبنان و... جز قلمرو نفوذ ژئوپولیتیک ایران هستند.

شکل ۳: نقشه خلافت رویایی ایمن الظواهری



(Jones, 2016: 16)

دیگر چالش ژئوپولیتیکی فراروی ایران که ناشی از رشد و گسترش این جریانات سلفی می‌باشد، به چالش کشیدن و مسدود نمودن ایده‌های ژئوپولیتیکی جمهوری

اسلامی ایران برای ایجاد اتحاد و یکپارچگی در میان مسلمان در لوای اسلام‌گرایی مورد نظر این کشور می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در طول حیات خود، مدام تلاش داشته است تا با شکل دادن و تقویت نمودن مسائلی از قبیل تقریب مذاهب و حتی شکل‌گیری ام‌القرای جهان اسلام، زمینه‌زدیکی کشورهای جهان اسلام را تقریباً با محوریت خود فراهم آورد و بدین طریق حتی مانع گسترش نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و غربی در دنیای اسلام و بویژه در منطقه خاورمیانه گردد. اما ایدئولوژی و ایده و عملکرد گروه‌های سلفی و حامیان منطقه‌ای آنها باعث ناکارآمدی ایده اسلام‌گرایی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران می‌گردد.

کشورهای خاورمیانه و بویژه جهان عرب، در آستانه تحولی اساسی هستند که در این تحول، نیروهای دموکراسی، خواه در یک سو و نیروهای افراطی نظیر داعش که می‌کوشند از اسلام به عنوان ایدئولوژی سوءاستفاده کنند، در سوی دیگر قرار دارند و این نیروها وضعیت موجود و نیروهای طرفدار حافظ وضع موجود را به چالش می‌طلبند. در واقع عرصه سیاسی کشورهای منطقه، عرصه رویارویی این نیروهاست (خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۰). در همین راستا عربستان سعودی سعی در تقویت و حمایت‌های مادی از جریان‌های سلفی - تکفیری از جمله داعش، النصره، و... نموده که همین امر می‌تواند یک جنگ مذهبی در منطقه بوجود آورد و در نتیجه، اسلام‌گرایی در جهان را با یک چالش اساسی مواجه نماید. به عبارتی، درگیری میان گروه‌های مختلف در جهان اسلام و منطقه که متأثر از تحریک عربستان سعودی و قطر است، تا حدود زیادی به رشد اسلام‌گرایی ضربه خواهد زد؛ زیرا در نهایت بجای اینکه گروه‌های اسلام‌گرا بتوانند به یک اتحاد منسجم در راستای تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام برسند، در یک منازعه طولانی فرو خواهند رفت و همچنین بجای اینکه اسلام‌گرایی به عنوان یک جایگزین در مقابل لیبرال دموکراسی مطرح شود، به دلیل منازعه‌های مذهبی، خود به چالش تبدیل خواهد شد (ستوده و خزائی، ۱۳۹۳: ۱۸).



نتیجه گیری

فرقه‌گرایی و مذهب‌گرایی، همواره از پدیده‌هایی بوده که با شدت و ضعف در سراسر جهان در طی تاریخ وجود داشته است و بر فضای سیاسی تأثیرگذار بوده است. از مهمترین این فرقه‌گرایی‌ها و جنگ‌های مذهبی، می‌توان به جنگ‌های مذهبی در قاره اروپا و جنگ‌های صلیبی و... اشاره نمود. ظهور جریانات سلفی از پدیده‌هایی می‌باشد که فضای سیاسی جهان و بخصوص دنیای اسلام و منطقه خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است و این منطقه را وارد یک دوره بی‌ثباتی سیاسی نموده است که پیامدهای آن برای کشورهای منطقه چندان خوشایند و قابل پیش بینی نیست.

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهای منطقه خاورمیانه می‌باشد که پذیرای تأثیرات فراوانی از این جریانات تکفیری می‌باشد و امنیت ملی آن می‌تواند تحت الشعاع این گروه‌ها قرار گیرد؛ هر چند تبعات و پیامدها به روشنی قابل ذکر نمی‌باشند و نمی‌توان به قطعیت در این زمینه صحبت نمود. جغرافیای فرهنگی ایران، بویژه جغرافیای مذهبی آن، به نحوی است که در بعضی استان‌های مرزی از جریانات سلفی تأثیر می‌پذیرد و ژئوپولیتیک درونی ایران از این جهت، ماهیت خاصی پیدا می‌کند؛ چرا که نه تنها گروه‌های سلفی در این استان‌ها بر اساس آموزه‌های خود دست به فعالیت سیاسی زده و تلاش می‌کنند تا به اهداف و آمال سیاسی خود برسند، بلکه همچنین توسط گروه‌های قومی مخالف، از هویت مذهبی این نواحی به شکل یک ابزار سیاسی استفاده نموده و سعی می‌کنند تا از این طریق خواسته‌های سیاسی خود را توده‌ای نموده و از این طریق خواسته‌های خود را واقعیت ببخشند. عملکرد این گروه‌ها هر چند در ابتدا با تبلیغ شروع شده و در نهایت به شکل ترور و درگیری با نیروی‌های نظامی و انتظامی تداوم یافته، ولی در صورت عدم کنترل و گسترش آنها می‌تواند منجر به چالش غیر قابل‌کنترلی گردد. به هر حال، این وضعیت فعلی و دورنمای آتی برای ژئوکالچر ایران قابل درک و تصور می‌باشد.



مسأله مهمتر آن است که اهداف و فعالیت این گروه‌ها با اهداف و خواسته‌های رقبای منطقه ایران همپوشانی پیدا کرده و این رقبا از این گروه‌ها جهت کنترل کشور ایران و گسترش ناامنی در داخل مرزهای آن، از این گروه‌ها استفاده می‌نمایند. تداوم این وضعیت می‌تواند باعث ترکیب سه نیروی مخالف جمهوری اسلامی ایران، یعنی قدرت رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نیروی مرکزگرای قومی و نیروهای مذهبی شده و بدیت ترتیب، در نتیجه تداخل و درهم‌آمیزی ژئوپولیتیک درونی و بیرونی، تهدیدات سرزمینی فراوانی را برای ایران به وجود آورند.



فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۲)، نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت خاورمیانه، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، ظرفیت طبیعی امنیت (مطالعه موردی: قومیت و خشونت)، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶
۳. بازن، مارس (۱۳۷۷)، هویت قومی و ناحیه ای در ایران و آسیای مرکزی، ترجمه فروزان خرائی، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شماره پیاپی ۵۱، مقاله شماره ۴۴۲
۴. پایگاه اطلاع رسانی حوزه علمیه خراسان، ۲۷ شهریور ۱۳۹۵، قابل دسترسی در: <http://www.hozehkh.com/OneEntry.aspx?entryID=12070>
۵. پورسعید، فرزاد (۱۳۹۳) الف، «دابق»، ابزار استراتژی مصادره گفتمانی داعش، ماهنامه برآورد، ماهنامه تخصصی مطالعات امنیت ملی، سال دوم، شماره ۲۱.
۶. پورسعید، فرزاد (۱۳۹۳) ب، «دابق»، علل گرایش به تروریسم انتحاری، ماهنامه برآورد، ماهنامه تخصصی مطالعات امنیت ملی، سال دوم، شماره ۱۷-۱۸.
۷. جهانی، محمد (۱۳۹۵)، تأثیر اقلیت گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر نقش سلفیت)، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، شماره بیستم
۸. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۳)، مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران، در مسایل اجتماعی ایران (مجموعه مقالات)، تهران: نشر آگه
۹. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت
۱۰. حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۱)، قومیت‌ها در ایران: راهبردها و راهکارها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۱. خلیلی، رضا (۱۳۹۳)، چشم انداز جهان در سال ۲۰۱۵ میلادی، ماهنامه برآورد، ماهنامه تخصصی مطالعات امنیت ملی، سال دوم، شماره ۲۲.
۱۲. درایسدل، آلاسدير و بلیک، جرالډ. اچ (۱۳۷۰)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر (مهاجرانی)، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز مطالعات خلیج فارس
۱۳. زیودار، جواد (۱۳۹۴)، تأثیر جریان‌ات تکفیری در خاورمیانه بر امنیت ملی (بعد سیاسی) جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، به راهنمایی علی امیری
۱۴. لاکوست، ایو و ژیبیلن، بتریس (۱۳۷۸)، عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپولیتیک، علی فراستی، تهران: نشر آمن



۱۵. ستوده، علی اصغر و جعفر خزائی (۱۳۹۳)، آسیب شناسی رشد جریان های تکفیبی در خاورمیانه، فصلنامه علمی-تخصصی حبل المتین، سال سوم، شماره نهم، صص ۵-۲۴.
۱۶. شوتار، سوفی (۱۳۸۶)، شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی، ترجمه سیدحامد رضیئی، تهران: انتشارات سمت
۱۷. فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۶)، ژئوپولیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، قم: موسسه شیعه شناسی
۱۸. فرمانیان، مهدی (بی تا)، چیستی و چرایی شکل گیری جریان های تکفیری و دلایل قدرت یابی آنها در دهه اخیر، ماهنامه ثاقب، شماره ۲۰، صص ۴-۳۰
۱۹. لورو، پاسکال و فرانسوا توال (۱۳۸۱)، کلیدهای ژئوپولیتیک، ترجمه حسن صدوقی ونینی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
۲۰. مرادی، اسداله و امیر مسعود شهرام نیا (۱۳۹۴)، بحران سوید و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵ (شماره پیاپی ۴۵)، صص ۱۲۵-۱۵۲.
۲۱. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)، قومیت ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲۲. موسوی، سیدمسعود (۱۳۹۳)، هزینه- فرصت های داعش برای ترکیه، ماهنامه برآورد، ماهنامه تخصصی مطالعات امنیت ملی، سال دوم، شماره ۲۲.
۲۳. موسوی، سیدمسعود (۱۳۹۴)، استراتژی گسترش قلمرو داعش در جهان عرب و شمال آفریقا، ماهنامه برآورد، ماهنامه تخصصی مطالعات امنیت ملی، سال سوم، شماره ۲۹.
۲۴. نصری، قدیر (ب ۱۳۹۳)، هشت نکته مکتوم در خصوص پیچدگی های عملیات داعش، ماهنامه برآورد، ماهنامه تخصصی مطالعات امنیت ملی، سال دوم، شماره ۱۷-۱۸.
۲۵. نصری، قدیر (۱۳۹۳)، رهنامه استراتژیک داعش: با تکیه بر نشریه «دابق»، ماهنامه برآورد، ماهنامه تخصصی مطالعات امنیت ملی، سال دوم، شماره ۲۱.

ب. منابع انگلیسی

26. Jones, Seth G. (2016), **A Persistent Threat: The Evolution of al Qaida and other Salafi Jihaisists**, U. S. A., RAND Corporation, Available from www. Rand.org
27. Abdo, Geneive (2013), **Salafists and Sectarism: Twitter and Communal Conflict in the Middle East**, Brookings, Center for Middle East Policy
28. Stokes, Jamie (2009), **Encyclopedia of the peoples of Africa and the middle east**, New York: Facts on File
29. Coakley, John (2003), **The territorial management of ethnic conflict**, London: Frank cass publishers

سیاست ژئوپولی

دوره پنجم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۷





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی